

گزارش ما، خنشناسی

نظام تعلیم و تربیت روحانیت

محمدنوری

واحد فقه و حقوق

تزکیه و تعلیم را دو بال سعادت همه آدمیان بدانیم، در حوزه این دو از ارکان حیاتی است.

نهاد پرورشی و آموزشی روحانیت اسلام که به حوزه یا حوزه علمیّه موسوم است، پیشینه‌ای کهن و اسلوبی ویژه دارد. این نهاد در عصر رسالت به صورت ساختاری بسیط شکل گرفت و به تدریج به ساختاری با بنیان‌های مستحکم روشی و محتوایی و اجرایی درآمد. در دوره اول ظهور اسلام علوم شرعی صرف؛ مانند حدیث و قرآن، تعلیم و تعلم می‌شد. به تدریج تعاطی فرهنگی مسلمانان با فرهنگهای دیگر و نیازهای جامعه اسلامی، علوم پزشکی، مهندسی و دانش‌های عقلی به عنوان علوم آموزشی در مدارس رونق یافت.

بدون در نظر گرفتن اختلاف‌های مشربی و فکری در مورد شرعیت علوم، تقریباً همه علوم موجود در آن زمان، به ویژه در دوره شکوفایی تمدن اسلامی به عنوان دانش‌های اسلامی مورد توجه بوده است. با این‌که پس از رنسانس در اروپا حوزه‌های علوم دینی از علوم متعارف جدا شد و سکولاریزم فرهنگی پدیدار گشت، اما در جهان اسلام تا دوره جدید در نهادهای آموزشی اسلامی همه علوم حتی پزشکی تعلیم داده می‌شد. در دوره جدید و به طور مشخص در ایران پس از دوره مشروطیت و تأسیس مدارس دارالفنون و رشدیه دانش‌های دینی به چند علم

اگر «اصلاح» و «بیداری» را ویژگی بارز قرون معاصر در کشورهای اسلامی بدانیم، بی‌درنگ همه مصلحان مسلمان، اصلاح فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جهان اسلام را به روحانیت معطوف می‌دانسته‌اند. رویه‌ها و دیدگاههای متنوع درباره این توجه را می‌توان این‌گونه بیان نمود:

روحانیت به طور مطلق از استعداد و کارایی اصلاح اجتماعی- فرهنگی برخوردار است؛ فقط روحانیت صالح می‌تواند مصلح جامعه باشد؛ نقش روحانیت محدود به ایفای وظایف معینی است و نباید در عرصه‌های کلان اجتماعی مسئولیتی را عهده‌دار باشد.

نظریه دوم که دیدگاه عمومی و رایج حوزه است به دو گرایش منشعب می‌گردد: روحانیت نیازمند تحول و دگرگونی عمقی، محتوایی و صورتی در همه امور است. اینان گاهی جایگزینی نهادهای آموزشی جدید به جای حوزه‌های قدیم را تنها راه حل می‌دانند؛ گرایش دوم صرفاً به اصلاحات و بعضاً اصلاحات صورتی؛ مانند تکمیل مدیریت یا تعویض برنامه می‌اندیشد.

با چشم‌پوشی از تضارب آرا در باب اصلاح روحانیت، بدون شک یکی از جنبه‌های مهم اصلاح حوزه، اصلاح وضعیت آموزشی و پرورشی حوزه است. بدون آموزش صحیح، ثمره‌های مفید و کارآمد به بار نخواهد نشست. اگر

حوزه‌ها در بستر تاریخ و تحلیل وضعیت گذشته و حال بوده است.

تلاش‌های یک ساله گروهی از درس‌آموختگان حوزه و دانشگاه و عنایت و بذل امکانات مسئولان پژوهشگاه به نگارش این مکتوب انجامید. ما مدعی ارائه فهرستواره ای جامع نبوده و اولین گام با امکانات محدود و منابع داخل ایران به آن می‌نگریم، چرا که تهیه اثری جامع در این زمینه حجمی مضاعف نسبت به متن حاضر پیدا خواهد کرد و لازمه آن جستجو در منابع و مخازن خارج از کشور، از جمله کشورهای شرقی، عربی و اروپایی است.

این مآخذشناسی در ۷۳۶ صفحه و شش بخش تنظیم شده است.

بخش اول (تربیت و پرورش اخلاقی) دارای سه فصل با عنوان‌های مبانی تربیتی در فرهنگ اسلامی، دیدگاه‌های تربیتی متفکران مسلمان و آداب تعلیم و تعلم است.

بخش دوم (مباحث آموزشی) شامل چهار فصل مبانی آموزش در حوزه‌های علمی، ساختار نظام آموزشی در حوزه‌های علمیه، تحلیل و بررسی متون آموزش، قواعد و درس‌های آموزشی است. فصل چهارم اطلاعات مربوط به مواد و متون آموزشی در حوزه‌های اسلامی را در یازده محور اخلاق، ادبیات عرب، اصول فقه، تاریخ، حدیث، عرفان، فقه، فلسفه، قرآن، کلام و منطق پردازش کرده است.

بخش سوم (تاریخ آموزش و علوم آموزشی و نهادهای آموزشی) مشتمل بر سه فصل است: پیشینه آموزش و نهادهای آموزشی در فرهنگ اسلامی، درباره مدرسان بزرگ حوزه‌های علمی، تاریخ و طبقه‌بندی دانشها در اسلام.

بخش چهارم (نهادهای مراکز فرهنگی وابسته)، فهرستی از کتاب‌ها و مقالاتی است که درباره نهادهای فرهنگی نقش آفرین در آموزش و پرورش حوزوی، نوشته شده است.

بخش پنجم (نظام‌های آموزشی و پرورشی جدید): کتاب‌ها و مقالاتی که در مقایسه نظام حوزوی و نظام آموزشی جدید پرداخته، در این بخش ارائه شده است.

بخش ششم (آموزش و پرورش اسلامی در زبان‌های اروپایی) به فهرست کردن منابعی که در زبان‌های اروپایی درباره ابعاد مختلف نظام آموزشی اسلام و حوزه‌های علمیه نوشته شده، می‌پردازد.

این فهرستواره در واحد فقه و حقوق مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی انجام پذیرفته است.

منحصر شد و قلمرو دانش‌های آموزشی در حوزه‌های دینی از دیگر علوم جدا گردید.

کارآمدی حوزه‌های اسلامی در دوره جدید در محدوده همان علوم شرعی در شیعه و اهل سنت یکسان نبود. حوزه‌های سنی زودتر به مقتضیات اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و علمی عصر جدید واقف شدند و تلاش نمودند، اولاً با تعمیق فرهنگ اسلامی در درون باورهای مسلمانان به تحکیم اعتقادات و ثانیاً با شناخت صحیح شبهات بیگانه به زدودن باورهای معارض و قرنطیه‌سازی پردازند. تاریخ حوزه‌های شیعی نیز شاهد ایفای وظیفه، امانه به شکل همگانی و سازمان یافته بوده است.

امروزه با ظهور فن آوری داده‌پردازی (انفورماتیک) و آموزشی، رقابت فرهنگی همچون رقابت اقتصادی و رقابت نظامی مقوله ای است که فرهنگ‌های ضعیف‌تر توسط قطب‌های فرهنگی قوی‌تر نابود یا جذب می‌شوند. حوزه شیعه که تجلی‌گاه فرهنگ شیعی است در مقابل فرهنگ‌های سنی (قطب عربستان، قطب بیروت و قطب قاهره) و فرهنگ غرب قرار دارد. از سوی دیگر، نهاد آموزش و پرورش دانشگاهی در علوم انسانی به آموزش کلام، فلسفه، حقوق و ... می‌پردازند که در مجموع ساختاری غیر از ساختار حوزوی دارد. نیز مسائل نوپیدای جدید عقلی، حقوقی و ... محتاج دقت نظر است. فرهنگ حوزوی فقط با قوت نظری و کارآمدی عملی می‌تواند گوی سبقت را از رقیبان برآید.

ریشه کاستی‌ها یا قوت‌های فرهنگ حوزوی به آموزش و پرورش این نهاد منوط است. آموزش و پرورش حوزه شامل جوانب و ابعاد مختلف است که هر یک مطالعات و تحقیقات کارشناسانه‌ای را نیازمند است. همان‌گونه که سازمانی با نیروهای متخصص و مصرف امکانات بسیار، متکفل مطالعه و بررسی مسائل آموزشی و پرورشی در وزارت و ادارات آموزش و پرورش است، در حوزه هم باید به تعلیم و تربیت حوزوی بسان یک مسئله پیچیده و کارشناسانه نظر کرد. خوشبختانه طی چند ساله اخیر تلاش‌هایی در حوزه‌های شیعی ایران، بویژه قم انجام یافته که مشکور است، ولی محصولات مکتوب آن تلاش‌ها، کمتر مشتمل بر ایده‌های قوی می‌باشد و اکثراً به ارائه مطالب و طرح‌های تکراری پرداخته‌اند.

مسئولان پژوهشگاه دفتر تبلیغات اسلامی با پیشنهاد اجرای طرح پژوهشی مآخذشناسی تعلیم و تربیت روحانیت در صدد برنامه‌ریزی برای تحقیقات کارآمدتر در این زمینه بوده‌اند. از این رو، این مآخذشناسی در چهارچوب آن هدف اصلی به گردآوری و پردازش منابع و مآخذ و به منظور تبیین پیشینه علمی و معنوی